

طلوع ماهواره و افول فرهنگ‌ها چه باید کرد؟



■ طباطبایی، صادق. طلوع ماهواره و افول فرهنگ: چه باید کرد؟، تهران: اطلاعات، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ۲۹۵ ص، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۵۶۵-۸

پخش‌های تلویزیونی به‌مثابه اطلاع‌رسانی یک‌طرفه اهداف و اغراض سیاسی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نهفته است. بنابراین حساسیت حکومت‌های ملی و قلمروهای سیاسی نسبت به تأثیرات مخرب و برانداز آنها بیشتر از سایر محمل‌های اطلاع‌رسانی است. در پخش‌های ماهواره‌ای تلاش می‌شود که مقاصد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظیر آن به مخاطب القا شود. در ورای این القائات، یکسان‌سازی فرهنگی و تناقضات حاصل از آن در بین خانواده‌ها و محفل‌های اجتماعی نیز قابل پیش‌بینی است که بر این حساسیت‌ها می‌افزاید. بنابراین پرداخت منصفانه، علمی و مستدل به این مقوله می‌تواند به درک عمیق و واقع‌بینانه این نوع از پدیده‌ها کمک کند. درک عمیق و درست از ماهواره و ارتباط آن با فرهنگ جامعه، زمینه را برای تعامل مناسب با این پدیده فراهم می‌آورد.

دکتر صادق طباطبایی متولد ۱۳۲۲، دارای دانشنامه دکتری در رشته آنزیمولوژی و ژنتیک از دانشگاه بوخوم آلمان و عضو جامعه پژوهشگران علوم تجربی آلمان^۲ است. معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور، معاونت سیاسی نخست‌وزیر و سخنگویی دولت موقت از جمله مناصب دولتی وی بوده است. مؤلف کتاب در سال‌های اخیر علاوه بر تدوین یادداشت‌های علمی و مقالات تخصصی، درباره مسائل اجتماعی و از جمله مباحث شیخون فرهنگی مطالعه و پژوهش‌هایی کرده است. کتاب حاضر در کنار ترجمه سه اثر برجسته از نیل

ظهور فناوری و تعامل آن با فرهنگ از مهم‌ترین بحث‌های چالشی قرن حاضر در حوزه علوم اجتماعی بوده است که در آثار مختلف درباره آنها بحث و بررسی شده است. برای نمونه می‌توان به کتاب جهان اطلاعات و ارتباطات جهانی نوشته حمید مولانا اشاره کرد که جریان اطلاعات و ارتباطات در رسانه‌ها را در کشورهای جهان مرکز و پیرامون مورد بررسی دقیق و انتقادی قرار می‌دهد.^۳ در میان انواع فناوری‌ها، فناوری سخن‌پراکنی مانند رادیو، تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای تأثیر و تأثر فرهنگی را بیش از پیش فراهم آورده‌اند. از آنجاکه در

● دکتر محمد حسن زاده^۱
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

در پخش‌های ماهواره‌ای تلاش می‌شود که مقاصد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظایر آن به مخاطب القا شود

بستمن می‌باشد که انتشارات اطلاعات منتشر کرده و از چهار زاویه گوناگون مقوله شیبخون فرهنگی را بر جوامع بشری مورد بررسی آماری و نقد و تحلیل علمی و جامعه‌شناسانه قرار داده است.

درباره کتاب

کتاب طلوع ماهواره و افول فرهنگ همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، از مقدمه و هفت فصل تشکیل شده است. پیش از مقدمه و فصل‌های هفتگانه کتاب، در ضمن پیش‌گفتاری جامع، ضرورت توجه به پیشرفت‌های روزمره تکنولوژی و نیازهای جامعه به صورت توأمان و واقع‌بینانه مورد تأکید قرار گرفته است. در بخشی از این پیش‌گفتار آمده است: «بدون آشنایی با شرایط جهان و اوضاع جدید، بدون شناخت جاذبه‌هایی که در منظر و مرآی نسل امروز قرار دارد و بدون بهره‌گیری از علوم پرورشی و ظرافت‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تعلیم و تربیت، چگونه می‌توان روح و روان نسل جوان را درک کرد؟» (ص ۵)

مؤلف در فصل اول، «تغییر و دگرگونی در ادراکات و دریافت‌ها»، تأکید کرده است که پژوهش‌های علمی و آماری نشان می‌دهد که تماشای مستمر تلویزیون، قدرت و انسجام فکری و اندیشه منطقی را از میان می‌برد. دنیای نقش‌بسته در صفحه تلویزیون دنیایی است، دست‌دوم، پرداخته‌شده و اغلب مخدوش. تصویری که تلویزیون از جهان خارج به ذهن مخاطب منتقل می‌کند با واقعیت خارجی یکسان نیست. علاوه بر آن، انسان فعال، متفکر، محرک و متحرک به تماشاچی منفعل و راكد تبدیل می‌شود. سرعت انتقال از بین می‌رود. عکس‌العمل دفاعی و دماغی بدن در برخورد با اطلاعات، تضعیف می‌گردد و به تعبیر مؤلف، ایدز فرهنگی را نصیب انسان و جامعه می‌سازد. در ادامه فصل اول، سازوکار تغییر و دگرگونی ادراکات و دریافت‌های انسانی مطالعه و بررسی می‌شود.

مؤلف در فصل دوم، «کنش‌ها و واکنش‌های دماغ و مغز به‌هنگام شنیدن، دیدن و خواندن»، بر آن بوده تا براساس یافته‌های بررسی‌های تطبیقی و بیولوژیک تفاوت اثر هریک از رسانه‌های ارتباط جمعی بر دریافت‌ها، استنتاج‌ها و انتقال واقعیت‌ها به جهان اندیشه و حتی در دگرگونی آداب و سنن اجتماعی را

تبیین کند. وی همچنین با استفاده از نتایج مطالعات فیزیولوژی عصبی، روان‌شناسی عصبی و بیولوژی اعصاب نشان می‌دهد که چگونه تصویر یک واقعیت در ذهن انسان‌ها نقش می‌بندد و بدین‌وسیله سازوکار تصویر و تصور ذهنی، بازشناسی و یادآوری، استنتاج و استنباط را به تفصیل مورد بررسی قرار دهد.

«قدرت تخیل و مکانیسم خلاقیت‌های ذهنی» عنوان فصل بعدی است. تفاوت فعالیت‌های قسمت چپ و راست مغز در پردازش اطلاعات و اعمال عقلی و احساسی، نقش مرکز هدایت‌کننده تکلم و ساختار کلام منطقی و عاطفی درباره قدرت حافظه، و پاسخ به این دو پرسش که چرا شبیه‌سازی و ایجاد تصویر ذهنی کار تعقل مجرد و خلاق بوده و نیز فراگرفتن آن را آسان می‌کند، و عوامل دماغی و ارگانیکی تشخیص حسن و قبح کدام است؟ از جمله مباحث این فصل است.

دکتر طباطبایی در فصل چهارم، «طبقات جدید اجتماعی بر مبنای دانش و اندیشه»، با بیان اینکه در اثر گسترش تلویزیون، به‌مثابه رسانه انحصاری اطلاع‌رسانی، دانایان، داناتر و نادانان، نادان‌تر می‌شوند، دلیل این امر را تبیین کرده و متذکر می‌شود که از این رهگذر شکاف طبقاتی جدیدی در جامعه پدیدار می‌گردد که خود منشأ بروز تنش‌های اجتماعی، عاطفی و حتی سیاسی خواهد بود. وی همچنین نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری، گسترش و پیامدهای نظام جدید طبقاتی و اثرات سوء آن را در سطوح مدیریت و نظام اداری جامعه بررسی می‌کند.

در فصل پنجم، «جایگاه زیست‌محیطی رسانه‌های ارتباط جمعی»، شاخصه زیست‌محیطی رسانه‌ها و تمهیدات آن مورد مطالعه قرار گرفته است. به‌اعتقاد مؤلف، امروزه رسانه‌ها از حالت کارگزاران و خادمان در خدمت انسان‌ها خارج شده، مدعی سروری و حاکمیت تمام‌عیار بر انسان‌ها هستند. از این‌رو در محیط زیست انسانی وارد شده و جایگاه محکمی را به خود اختصاص داده‌اند. تمهیدات و تدابیری که برای حفظ و سلامت محیط‌زیست از دیرباز اتخاذ شده است، باید درباره رسانه‌ها، به‌ویژه در حوزه تخریب فضای ذهن و اندیشه نظام ارزشی، با قدرت و مسئولیت و تعمق بیشتری به‌کار بیندازیم. در این خصوص نویسنده راهکارهایی ارائه کرده است.

فصل ششم کتاب به گونه‌ای متفاوت با سایر فصل‌ها، روش‌های پژوهش و ارزیابی در حوزه رسانه‌ها و تلویزیون را مورد توجه قرار داده و در این باره روش‌های رایج در دنیای غرب برای مطالعه و برنامه‌ریزی رسانه‌ها را معرفی و تشریح کرده است. مؤلف یادآور شده است که بررسی‌های تحلیلی و آماری باید در سه محور به کار گرفته شود. این سه محور عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی و طراحی جدول زمانی؛ تعیین شکل و ساختار اجرای برنامه‌ها؛ اداره و مدیریت سیستم و تشکیلات.

مؤلف در فصل هفتم، «چه باید کرد»، که قسمت عمده کتاب را به خود اختصاص داده است، بر آن بوده است با برشمردن ویژگی واژه تعادل جاری، فرد و احاد جامعه را به صورت موجودی واحد که باید در ضمن دادوستد با جهان خارج تعادل جاری لازمه حیات را حفظ و تقویت کند، مطالعه و بررسی کند. وی در ادامه، وظیفه افراد را بدون توجه به اینکه نظام و فرهنگ جامعه چه وظیفه‌ای دارد، مورد بحث قرار داده است. وی در بخش دیگر این فصل، وظیفه فرهنگ جامعه و واژگان‌های ارشادی و اجرایی آن را بدون در نظر گرفتن اینکه هر کدام از افراد چه کار می‌کنند، تبیین کرده و سرانجام به روابط و وظایف متقابل و مکانیزم‌های آن پرداخته است. در بخش مربوط به وظایف افراد، هفت ضابطه برای تدارک ابزار مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و یورش‌های تکنولوژی در تک‌تک انسان‌ها مطرح شده و مسئله هویت‌بخشیدن به افراد و نیز شناساندن ابعاد فرهنگ مهاجم و ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری آن به فرد و جامعه تبیین شده است. جمع‌بندی نهایی پایان‌بخش این فصل است.

نکات برجسته کتاب

این کتاب، از آنجاکه به موضوع بسیار مهم و در عین حال پیچیده‌ای که دارای ابعاد مختلف فنی، اجتماعی، روانی و فرهنگی می‌باشد، پرداخته است، نیاز به تجربه و تدقیق فراوانی دارد که به نظر می‌رسد باتوجه به تجربه‌های مطالعاتی بین‌رشته‌ای و مسئولیت‌های

اجرایی که مؤلف داشته و در کشورهای مختلفی به مطالعه و تحقیق پرداخته، در دستیابی به شرایط لازم برای نگارش این کتاب کمک کرده است. مطالعه کتاب نشان می‌دهد که وی احاطه لازم را بر موضوع داشته و توانسته است به خوبی شرایط روز را نیز در بحث‌های خود بگنجانند. همین امر باعث شده است که درک مفاهیم فلسفی و تخصصی برای خواننده آسان تر شود. دیدگاه انتقادی و واقع‌بینانه مؤلف در جای‌جای کتاب به چشم می‌خورد و همین امر باعث ایجاد جذبۀ مثبت برای خواننده در عین تعمق و ژرف‌نگری لازم نیز شده است. به نظر می‌رسد که وی به اهدافی که ترسیم کرده بوده، به خوبی دست یافته است. از ویژگی‌های دیگر کتاب تناسب لازم بین بخش نظری (شش فصل اول) و بخش عملیاتی (فصل هفتم) می‌باشد. وی صفحات بیشتری را به ارائه راهکارها اختصاص داده است. به همین دلیل مباحث کتاب در عین حال که مطالعاتی و نظری است، به همان اندازه عملیاتی و کاربردی نیز می‌باشد.

گروه هدفی که برای این کتاب می‌توان ترسیم کرد، پژوهشگران حوزه ارتباطات و رسانه‌ها، جامعه‌شناسی و فرهنگ می‌باشند. علاوه بر این گروه‌ها که ممکن است با اهداف تحقیقاتی و بسط دیدگاه‌های نظری این کتاب را مطالعه کنند، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران حوزه‌های مختلف فرهنگی نیز می‌توانند بهره‌های فراوانی از این کتاب ببرند. بهره‌هایی که می‌تواند در نحوه اعمال سیاست‌های فرهنگی و ارشادی و همچنین مواجهه منطقی با رسانه‌های داخلی و خارجی و مخاطبان به ویژه گروه‌های تأثیرپذیرتر، پیامدهای سازنده‌ای را به دنبال داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها:

1. hasanzadeh@modares.ac.ir.
۲. مولانا، حمید. جهان اطلاعات و ارتباطات. جهانی: مرزهای نو در روابط بین‌الملل. تهران: کتابدار. ۱۳۸۴.
3. (DFG)

دنیای نقش‌بسته در
صفحه تلویزیون،
دنیایی است، دست‌دوم،
پرداخته‌شده و اغلب
مخدوش